

رسیدگی به وضعیت معتادان بی بضاعت زرق و برق و سر و صدای رسانه ای ندارد؟

معتادان بی بضاعت لب پرتگاه

«اگر یک مصرف کننده بخواهد اقدام به درمان کند بایستی میانگین حدود یک میلیون و پانصد هزار تومان برای دوره تقریباً یک ماهه هزینه کند. از طرف دیگر دولت ماهیانه حدود یک میلیون تومان از بیت المال بابت افرادی که تمایلی برای درمان ندارند هزینه می‌کند».



یادداشت: اگر یک فرد مصرف کننده مواد بخواهد اقدام به درمان پرهیزمدار کند طبق تعرفه سازمان بهزیستی بایستی میانگین حدود یک میلیون و پانصد هزار تومان برای یک دوره تقریباً یک ماهه هزینه کند. حالا اگر این فرد بی بضاعت باشد و در تامین مخارج اجاره منزل و خوراک و سایر هزینه های خانواده اش دچار مشکل باشد، ساز و کاری که برای کمک به وی در نظر گرفته شده است این است که پس از مراجعه به بهزیستی و تایید بی بضاعت بودنش، یاری برگی معادل نصف هزینه تعرفه درمان حدود ۷۵۰ هزار تومان دریافت می کند. بدین ترتیب باز باید حدود ۷۵۰ هزار تومان از جیب خود هزینه کند.

از طرف دیگر دولت ماهیانه حدود یک میلیون تومان از محل بیت المال بابت نگهداری افرادی که تمایلی برای درمان ندارند در قالب جمع آوری معتادان متجاهر هزینه می کند که این رقم در طول سال، ده ها و بلکه چند صد میلیارد تومان تخمین زده می شود. این فرایند حاکی از نقصان در سیستم برنامه ریزی و تصمیم گیری در حوزه اعتیاد دارد. برای آن کسی تمایل به درمان دارد اما بضاعت مالی ندارد هزینه نمی کنیم اما برای آن کسی که تمایل ندارد هزینه می کنیم.

البته از نظر قانونی برای گروه هدف معتادان بی بضاعت آیین نامه ای با عنوان "آیین نامه اجرایی درمان و کاهش آسیب معتادان بی بضاعت موضوع تبصره ۲ ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر با اصلاحات و الحاقات بعدی" که شامل ۲۲ ماده و ۲ تبصره است و در تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۷ به تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر رسیده است وجود دارد و جلسات مختلفی نیز در این راستا در سطح وزارتخانه ها و سازمان های مختلف برگزار شده است اما آنچه که مشخص است خروجی ملموس و عینی که برای گروه هدف نتیجه بخش باشد، نداشته است.

تعریفی که از معتاد بی بضاعت در این آیین نامه شده است بدین گونه می باشد که "فرد بی بضاعتی که به یک یا چند ماده مخدر یا روانگردان اعتیاد دارد و نیازمند خدمات حمایتی و کمک درمانی است". در ماده شش خدمات قابل ارائه به مشمولین این آیین نامه شامل "خدمات درمان اعتیاد، اسکان و سرپناه، کمک معیشت، آماده سازی شغلی، حرفه آموزی، اشتغال، توانمندسازی، معاضدت حقوقی و قضایی، بهداشت و درمان، بیمه ای و ثبت احوال" ذکر شده است. در ماده های مختلف این آیین نامه نیز از خدمات و مسئولیت های هریک از دستگاه های ذیربط نامبرده شده است.

درست است که تمرکز اصلی مسئولان اکنون مسئله معتادان متجاهر است اما فراموش نکنیم که آنها هم زمانی در کنار خانواده و زیر یک سرپناه زندگی می کرده اند و عمدتاً به دلیل فقر و شرایط نامساعد اقتصادی مجبور به ترک خانه و خانواده شده اند و اگر اکنون برای معتادان بی بضاعت برنامه منسجم و دقیقی نداشته باشیم احتمالاً نه تنها از تعداد معتادان متجاهر کاسته نخواهد شد بلکه بایستی آمادگی افزایش جمعیت آنها را نیز در آینده داشته باشیم .

اگرچه چهار سال از تصویب آیین نامه درمان و کاهش آسیب معتادان بی بضاعت سپری می شود اما ساز و کار عملیاتی مشخصی برای آن طراحی نشده است و در حالی که شرایط فشار اقتصادی حاضر، دهک های پایین تر را با سختی دوچندان مواجه کرده است گمان این می رود که شاید به این دلیل که رسیدگی به وضعیت معتادان بی بضاعت چندان زرق و برق و سر و صدای رسانه ای ندارد و نیاز به احداث و راه اندازی مراکز جدید و آنچنانی ندارد، خواهانی هم ندارد.

امیر مغنی باشی - مددکار اجتماعی